

بودجه و اولویت آموزش

محمد داوری

ناکارآمدی نظام آموزشی ما بر کسی پوشیده نیست، به ویژه ناکارآمدی نظام آموزش عمومی که تبدیل به بحران شده است و تاکنون هیچ کس هم مدعی نشده که نظام آموزش ما به ویژه آموزش و پرورش کارآمد است، حتی مدافعان وضع موجود هم در برابر انتقادات یا سکوت کرده‌اند یا با پذیرش ضمنی این ناکارآمدی از وعده‌ها و طرح و برنامه‌هایی گفته‌اند که در طول این چند دهه تاثیری در کارآمد کردن نظام آموزشی نداشته است.

تفاوت چندانی در دولت‌ها هم نداشته هر چند در برخی دولت‌ها به ویژه دولت اصلاحات رویکردهای مثبتی به این حوزه وجود داشت، اما باز هم به دلیل اینکه آموزش و پرورش بیش از آنکه یک نهاد دولتی باشد در نظام حکومتی فعلی یک نهاد حکومتی است، آن رویکردها هم راه به جایی نبرد و اندک تغییرات مثبت هم بعد از پایان دوران اصلاحات با بازگشت به عقب، در بر همان پاشنه چرخید و آموزش و پرورش روی ریل ناکارآمدی ادامه مسیر داد تا تبدیل به یک بحران ملی شود. بحرانی که نوک کوه یخ آن را در ابعاد مختلف توسعه نیافتگی و آسیب‌های متعدد در حوزه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی می‌توان به روشنی مشاهده کرد.

نوک این کوه یخ حالا در بودجه دولت سیزدهم نیز قابل مشاهده است و اگرچه عدد 206 هزار میلیارد تومانی به ظاهر نسبت به سال گذشته افزایش داشته، اما همین عدد نیز نخست نشان‌دهنده اولویت نداشتن آموزش و پرورش در دولت ابراهیم ریسی مانند بسیاری از دولت‌های گذشته است و دوم اینکه این افزایش بودجه بیشتر به خاطر طرح رتبه‌بندی معلمان است که آن هم به صورت ناقص اجرا شده و از همه مهم‌تر اینکه با تمام این تفاسیر مثل همیشه بیش از 90 درصد بودجه آموزش و پرورش صرف حقوق پرسنل می‌شود و رقمی برای فضای آموزشی و تجهیزات و کیفیت بخشی به آموزش و برقراری عدالت آموزشی باقی نمی‌ماند.

نکته مهم‌تر اینکه سرانه دانش‌آموزی به عنوان یکی از شاخص‌های جهانی نیز آنقدر ناچیز است که خود گواه اهمیت و جایگاه آموزش در سیاست‌های حکمرانی جاری در کشور است؛ سهمی که نشان می‌دهد با این

بودجه سرانه دانش‌آموزی در کشور ما 300 دلار است که در مقایسه با میانگین جهانی که 9 هزار دلار است، نشان از سی برابر بودن سرانه میانگین جهانی دارد و این شاخص در کنار شاخصهای دیگر که در زمینه کیفیت و عدالت آموزشی است نشان از بحرانی بودن وضعیت آموزش و پرورش در کشور دارد.

بحرانی که خانواده‌های برخوردار با گزینه مدارس غیردولتی به‌زعم خود آن را حل کرده و عده‌ای با کلاسها و معلم خصوصی درصدد جبران آن هستند و سایر خانواده‌ها هم که توان فرستادن به مدارس غیردولتی یا گرفتن معلم خصوصی را ندارند چاره‌ای جز پذیرش تبعات این بحران را ندارند، تبعاتی که کودکان و نوجوانان این خانواده‌ها قربانی آن هستند.

منبع: روزنامه اعتماد 2 بهمن 1401 خ